

## اصل عدالت اجتماعی در سیستم قانونگذاری اسلامی<sup>۱</sup>

دکتر مریم ابن تراب<sup>۲</sup>

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

### چکیده

تحقق «عدالت اجتماعی» یکی از دغدغه‌های جدی و مطرح در زمینه‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی است که در اندیشه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. به دلیل عدم آگاهی کافی از شیوه قانونگذاری دینی، این شبهه در اندیشه بعضی از منتقدان راه یافته که عدالت کلان در اسلوب قانونگذاری به موازات عدالت خرد جایی ندارد. این جاست که اندیشه التقاط و استمداد از سایر سیستم‌های حقوقی در تحقق عدالت جمعی مطرح می‌شود و جوامع اسلامی را با چالشی روبرو می‌سازد. بنابراین تلاش و کنکاش در مبانی شرعی به ویژه سیره عملی معصومان علیهم‌السلام از نیازهای اساسی به شمار می‌رود. در جنبش نرم‌افزاری به کارگیری اصل عدالت یکی از طرق راهگشا در این زمینه است که با مبنا قرار دادن آن می‌توان به بسیاری از چالش‌های کنونی پاسخ داد. هدف این پژوهش، استدلال بر مبنای اصل عدالت در، یافت آموزه‌های حقوقی است که خاستگاه آن، آیات قرآن کریم و روایات منقول در سیره معصومان علیهم‌السلام است. پس از آن ابعاد مختلف عدالت اجتماعی، هم چون زمینه‌های حقوقی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و قضایی بررسی و تبیین گردیده است.

### واژگان کلیدی

اصل عدالت، عدالت خرد، عدالت کلان، عدالت حقوقی، عدالت توزیعی

۱- کار ارزیابی این مقاله در تاریخ ۸۵/۱۱/۱۱ آغاز و در تاریخ ۸۵/۱۱/۲۵ به اتمام رسید.

۲- دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

## جایگاه عدالت در اجتماع

عدالت واژه‌ای است که مفهوم آن در مقابل مفهوم دو واژه فسق و جور قرار می‌گیرد. گرچه فسق نیز خود نوعی جور - جور به نفس - است، اما عدالت در مقابل مفهوم فسق را عدالت وصفی و عدالت در مقابل مفهوم جور را عدالت عملی دانسته‌اند (گرچی، ۱۳۷۷، ص ۵۱۹-۵۲۱).

عدالت وصفی، صفتی انسانی است که واجد آن در مسائل فردی و اجتماعی به طریق ظلم گام بر نمی‌دارد. در حالی که عدالت عملی جنبه‌های حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد و بارها و بارها مورد تأکید آیات قرآن کریم و دیگر آموزه‌های شرعی قرار گرفته است، و همان است که برقراری و به پاداری آن رسالت خطیر پیشوایان دینی بوده است.

بر اساس طرز تلقی متفکران از مفهوم عدالت، نظریه‌های مختلف جامعه شناسی و سیستم‌های حکومتی به وجود آمده که حداقل در گفتار خواهان برپایی عدالت بودند. در این میان تلاش عملی پیامبر اکرم (ﷺ) در مدینه و حضرت علی (علیه السلام) در کوفه به این مفهوم مطلوب عینیت بخشید.

اندیشه عدالت اجتماعی در نظام توحیدی اسلام که نظام «امامت عدل» است نه «امام عدل»، تبیین شفاهی دارد. عدل همانند توحید، در تمام مسائل اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و حقوقی تجلی دارد. در این نظام تنها قرار گرفتن حاکم عادل در رأس هرم قدرت کافی نیست. بلکه همه مردم در هر رتبه‌ای که هستند مأمور به اجرای عدالت می‌باشند و در نظام «امامت عدل» اجرای عدالت وظیفه همگانی است (سلیمی، ۱۳۸۴، ص ۳۱).

بنابراین می‌توان عدالت را به عنوان اصلی در مسیر دریافت حقوقی آموزه‌های شرعی دانست و برای آن ارزش مبنایی قائل شد، و به ایراد نادرست فردگرایانه بودن احکام شرعی پاسخی بجا داد.

درست است که آنچه بیش از هر چیز حق را مقدم، عدالت را مقدس و اعتماد متقابل را در میان افراد برقرار می‌سازد و شجاعت در برابر ستمگر ایجاد می‌کند،

ایمان مذهبی است؛ اما برای ایجاد عدالت اجتماعی نمی‌توان تنها به عدالت فردی متکی بود؛ بلکه قدرت حاکم، قوانین و ضمانت‌های کارآمد از ضروریات تحقق و بسط عدالت در اجتماع است، و مورد توجه ویژه قانونگذار شرع اسلام قرار گرفته است که وظیفه اندیشمندان است آنها را بیابند و به واسطه تطبیق با شرایط اجتماعی کنونی بیان نمایند. وضعیت امروز مسلمانان در کشورهای اسلامی، ضرورت بررسی مسأله عدالت اجتماعی را آشکار می‌سازد و در نتیجه دریافت راه‌های تحقق آنها را می‌طلبد. این موضوع به ویژه در جامعه ایران، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی از اهمیت بسیار برخوردار است؛ زیرا نقطه اشاره و توجه حکومت‌های دوست و دشمن است.

### تحلیل مفهومی

**عدالت در لغت -** واژه عدالت به معنای عدل است و عدل دارای معانی متعددی است. یکی از آن معانی «ضد جور» است (فراهینی، ۱۴۱۴ هـ ج ۲، ص ۱۱۵۳). عدل به معنای انصاف نیز آمده است بدین معنی که آنچه حق انسان است به او بدهند و آنچه بر اوست از او بگیرند (ابراهیم، ۱۴۱۰ هـ ج ۲، ص ۵۸۸). گفته شده عدل چیزی است که به سبب آن به هوای نفس متمایل نمی‌شوند تا اینکه در حکم جور و ستم روا دارند (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ هـ ج ۹، ص ۱۳).

**عدالت فردی -** هر فردی از جهت اینکه در مقابل دیگران تکالیف و مسؤولیت‌هایی دارد، باید به وظایف خود در مقابل آنها عمل نماید. بنابراین شاید عدالت فردی به این صورت که یک فرد جدا از دیگران در نظر گرفته شود، قابل تصور نباشد. زیرا افراد با قبول نقش‌های مختلف در اجتماع وظایفی به عهده می‌گیرند که با انجام آن وظایف حقوقی به آنها تعلق می‌گیرد. چنانچه هر فرد به راستی و درستی وظایف خود را انجام دهد، حقوق دیگران را رعایت کند، و از انحراف بپرهیزد، دارای صفت عدالت است (گرچی، ۱۳۷۷، ص ۵۱۸).

**عدالت اجتماعی -** به معنی رعایت مساوات در جعل و اجرای قانون است. از

لحاظ وضع قانون باید برای همه افراد امکانات مساوی برای پیشرفت و سیر مدارج ترقی فراهم آید. و برای افراد به بهانه‌های غیرطبیعی مانع ایجاد نکند، از جهت اجرا و عمل، وظیفه دولت‌هاست که در عمل برای افراد تبعیض قائل نشوند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۵۳).

بنابراین عدالت اجتماعی بدین معنی است که قوانین و مقرراتی بر افراد جامعه حاکم باشد تا هر فرد به حقوق و وظایف خود در برابر دیگران آشنا شود، این امکان به وجود آید که در مواقع تصادم، همه تا آن اندازه که ممکن است از حقوق حقه خود بهره‌مند شوند و در عین حال به وظایف خود در مقابل دیگران عمل نمایند (گرچی، ۱۳۷۷، ص ۵۱۹).

### مبانی عدالت اجتماعی در اسلام

از آنجا که بی‌تردید احکام شرعی اسلام رسالت اجتماعی نیز دارند، ناگزیر گستره باید و نبایدهای دینی کلیه نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی را در بر می‌گیرد. زیست اجتماعی انسان تابعیت از قانون را اقتضا دارد؛ میزان سنجش قوانین و احکام، رعایت مصالح و عدالت است.

عدالت اجتماعی یک اصل بزرگ اسلامی است و اسلام به آن اهمیت فوق‌العاده داده و آن را یک وظیفه بزرگ می‌داند؛ به گونه‌ای که پیشوایان دینی از جمله حضرت علی (علیه السلام) در راه تحقق عدالت اجتماعی در پرتو نظام اسلامی به شهادت رسیدند: «فزت ورب الکعبه» اشارتی است به عدالت خواهی کلان و جانبازی در راه آن. برقراری اصل عدالت در نظام‌های اجتماعی موقوف بر دو امر است: عدالت در نظام تشریع و قانونگذاری، دیگر عدالت در اجرا برای دستیابی به آموزه‌های شرعی در باب عدالت اجتماعی باید کنکاشی در منابع دینی صورت گیرد.

### عدالت اجتماعی در قرآن کریم

عدالت مفهومی است که در جای‌جای آموزه‌های شرعی به ویژه در آیات قرآن

کریم دیده می‌شود. قرآن کریم موضوع عدالت را به طور مستقیم با دو واژه «عدل» و «قسط» مورد توجه قرار داده است.

با توجه به این آیات، عدل یک اصل بنیانی تلقی می‌شود که خلقت هستی بر پایه آن صورت گرفته و تدابیر امور عالم بر اساس آن تحقق می‌یابد. از دیدگاه قرآن، عدالت هم مبدا هستی است و هم والاترین هدف جهان؛ آدمیان و ادیان. از میان ۳۶ آیه قرآن کریم که در باب موضوع قسط و عدالت است، تنها ۳ آیه در مورد عدالت فردی است که با دقت نظر روشن می‌شود که آنها نیز در جهت برقراری و حفظ عدالت در اجتماع می‌باشند.

چرا که این آیات در مورد وجود صفت عدالت در شاهد، هستند و گفته شاهد نیز ماخذ حکم قاضی واقع می‌گردد (طلاق، ۲؛ مائده، ۹۴ و ۱۰۵). بنابراین عدالت فردی یکی از ارکان عدالت قضایی است که از مظاهر عدالت اجتماعی محسوب می‌شود؛ و آیه مبارکه «*کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الوالدین والاقریبین*» خود تأکید و اصرار بر تثبیت صفت عدالت در انسان‌های مجری قانون است.

عدالت صفت فعل خداوند است؛ زیرا پروردگار در روز قیامت بر اساس موازین عدل و قسط پاداش نیکوکاران و جزای بدکاران را می‌دهد (انبیاء، ۴۶؛ یونس، ۴ و ۵۳). فراهم آوردن اسباب هدایت انسان از الطاف خداوند نسبت به بندگان است. چنان که در قرآن کریم آمده است «*وتمت کلمه ربک صدقا وعدلا*» (انعام، ۱۱۵) بعضی از مفسران منظور از «کلمه» در این آیه شریفه را ظهور دعوت اسلامی با نبوت حضرت رسول (ﷺ) و نزول قرآن دانسته‌اند که مافوق همه کتابهای آسمانی و در کمال رأستی و عدالت است (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۸۹).

به طور کلی فلسفه ارسال رسولان، برقراری عدالت اجتماعی در میان مردم دانسته شده است. «*لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیتوم الناس بالقسط*» (حدید، ۲۴). در میان انبیای گذشته که قرآن کریم یادآور ایشان است عدالت گستری مشهود می‌باشد و از این افراد در بین همه امتها بوده‌اند (اعراف، ۱۵۸ و ۱۸۰). پیامبر اکرم (ﷺ) به عدالت‌گستری در بین مردم مأمور گردیده است «*امرنا لاعدل*

بینکم» (شوری، ۱۶؛ اعراف، ۲۹). در قرآن کریم افراد عدالت‌مدار در کنار پیامبران الهی ذکر شده اند که تعدی به ایشان هم چون تعدی به پیامبران موجب عذاب دردناک الهی خواهد بود (آل عمران، ۲۰)؛ چرا که خداوند دوست‌دار عدالت‌پیشگان است (حجرات، ۹).

در آموزه‌های شرعی، عدالت مفهومی بسیار گسترده دارد که فرازمانی و فرامکانی است چنین مطلوبی به همه افراد انسان توصیه شده است حتی اگر غیر هم کیش باشد لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المتقین؛ «خداوند شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت در حق کسانی که در امر دین با شما پیکار نکرده‌اند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد» (ممتحنه، ۸).

افزون بر اوامر کلی به اجرای عدالت، در آیات قرآن کریم، در موارد خاص اجتماعی هم رعایت عدالت توصیه شده و سر لوحه حقوق اسلامی قرار گرفته است. عدل‌گستری در بین اقشار ضعیف اجتماع که به طور طبیعی آسیب‌پذیرتر از دیگر گروه‌ها هستند به طور ویژه مورد امر خداوند قرار گرفته است (نساء، ۳ و ۱۲۶). عدالت اجتماعی در قرآن جلوه‌های گوناگونی دارد که رعایت آن، حتی در نخستین جامعه‌ای که هر کس به آن قدم می‌گذارد ضروری است. از جمله جلوه‌های آن عدالت در روابط خانوادگی است (ممو، ۱۲۹).

مثلاً در زمینه خطاب‌های درست در نسب‌های خانوادگی نیز توجه خداوند به قسط و عدل مشهود است «أدعوهم لآ بانهم هو أقسط عند الله» (احزاب، ۵). دشمنی بین افراد هرگز نباید سدی در برابر اجرای عدالت باشد (مائده، ۸) هم چنان که دوستی و ارتباط‌های خانوادگی نباید گفتار و اعمال انسان را از مسیر عدل خارج سازد (انعام، ۱۵۱). در مقام برقراری صلح و آشتی بین افراد نیز باید معیارهای قسط و عدل در نظر گرفته شود (حجرات، ۹). از دیگر روابط اجتماعی که رعایت عدل و قسط در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، عدالت در امور اقتصادی است. که در مباحث بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

بنابر آنچه بیان شد روشن می‌شود که قرآن، خود کتاب عدالت و قسط است. زیرا از یک سو مبتنی بر عدل است و از سوی دیگر کتابی است که برای تحقق عدالت در جامعه بشری از بهترین اسلوب قانونگذاری بهره جسته است. از این رو شخصیتی چون امام خمینی این گونه می‌گوید «یک بعد قرآن این است که ظلم را از بین بشر بر دارد و عدالت اجتماعی را در زندگی بشر ایجاد کند. اگر مسلمانان جهان کوشش کنند، این بعد از قرآن را که بعد عدالت اجتماعی است در جهان گسترش دهند؛ آن وقت دنیایی خواهیم داشت که صورت ظاهر قرآن است» (الموسوی الخمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۴۳۴).

### عدالت اصلی از اصول مذهب شیعه

یکی از موارد اختلاف بین دو فرقه کلامی اشعری و معتزلی مسأله عدل الهی است. البته چنین نیست که اشاعره عدل الهی را نفی کنند، در حالی که آیات صریح و غیرقابل تأویل قرآن کریم، عدل الهی را اثبات و هرگونه ظلم را از ساحت مقدسش نفی می‌کند؛ بلکه بحث بر سر این است که آیا عقل انسان می‌تواند به خودی خود و صرف‌نظر از بیانات شرعی، ضوابطی برای افعال و به ویژه افعال الهی در نظر بگیرد و بر اساس آنها حکم به لزوم انجام کاری و ترک کار دیگری بکند (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۰).

اختلاف این فرق در این است که آیا دستورهای خداوند که بوسیله پیامبر اکرم (ﷺ) ابلاغ شده و شریعت و قانون اسلامی خوانده می‌شود، تابع میزان عدل است؟ آیا احکام شریعت عادلانه وضع شده و هر حکمی تابع یک حقیقت و ناظر بر یک مصلحت و مفسده واقعی است؟ در این خصوص میان علمای اسلام دو دیدگاه مطرح است. یک دسته طرفدار حسن و قبح عقلی شدند و فرمان شارع را تابع صلاح و فساد واقعی اشیا دانستند و گروه دیگر حسن و قبح اشیا را تابع دستور شرع به حساب آوردند.

در مورد عدل و ظلم هم که به حقوق و حدود مردم مربوط می‌شود و یک

موضوع اجتماعی است این مسأله مطرح گردید که از نظر عدلیه در واقع حق و ذی‌حق وجود دارند و حق داشتن یا نداشتن یک واقعیت قبل از جعل در شرع است، و دستورات شرع به گونه‌ای است که هر صاحب حقی به حق خود برسد. نتیجه مهم این بحث، مسأله دخالت عقل و علم در استنباط احکام اسلامی است. اگر بپذیریم عقل و علم در استنباط احکام دخالت دارد و بپذیریم که حق و عدالت از مفاهیم واقعی هستند که همواره مورد توجه شارع اسلام قرار گرفته‌اند، در مواردی که با این پرسش مواجه می‌شویم که مقتضای حق و عدالت چیست؟ باید به فرمان عقل به عنوان یک راهنما مراجعه کنیم و تابع فرمان آن باشیم و قواعدی چون «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» یا «الواجبات الشرعیة أُلطف فی الواجبات العقلیة» را به کار گیریم. هر چند ظاهر یک دلیل نقلی خلاف آن باشد؛ زیرا احکام اسلام دارای روح و هدفی است که از آن منحرف نمی‌شود. ما نیز باید به دنبال همان هدف گام برداریم (مطهری، ۱۳۶۰، ص ۳۱).

بنابراین، حقیقت عدالت در تشریح را باید از دو منظر بررسی کرد:

- ۱- تکلیف‌های الهی و دستورات آسمانی که به وسیله پیامبران بر مردم فرستاده شده، بر اساس عدل و داد استوار است و خداوند با آگاهی از قدرت و امکانات انسان، وظایف او را تعیین نموده است.
- ۲- در روز رستاخیز بر اساس عدل و داد میان افراد داوری خواهد شد (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱).

### پیوند دو اصل امامت و عدالت

پیروان مذهب شیعه با اعتقاد به دو اصل عدل و امامت از دیگر فرق اسلامی متمایز هستند وابستگی این دو اصل و آثار آن در ایجاد و بسط عدالت اجتماعی از ویژگی‌های انکارناپذیر مکتب تشیع است.

پیوند امامت امام معصوم با مسأله عدل و توسعه آن از طریق حاکمیت حکومت دینی، خود مبین جایگاه رفیع عدالت اجتماعی در نظام کلان اندیشه شیعی است. از



طرفی مقابله با ظلم و حکام جور و معرفی طواغیت و عدم همکاری با آنان از سوی امامان شیعی بالاترین گواه بر داشتن یک ایدئولوژی کلان برای اصلاح زمین در پرتو عدالت و امامت است؛ به ویژه آنکه این امر با مسأله مهدویت و ظهور منجی صالح از سوی اندیشه شیعی ارائه می‌گردد.

درست است که از دیدگاه شیعه، امامت مرجعیت دینی است و رسالتی بیش از حکومت را بر عهده دارد، اما آنچه مورد بحث کنونی است توجه به بخش حکومت و اداره جامعه اسلامی است. شک نیست که جامعه اسلامی هم چون جوامع دیگر نیاز به رهبری در امور دنیوی دارد. در اندیشه شیعی، امام سیاسی همان حاکم حکم شرعی است. بنابراین همان گونه که پیامبر شرع، حکم و حاکم در محکمه و ولی مسلمین در اداره جامعه است، امام معصوم نیز همین مناصب را داراست و در زمان غیبت، فقیه عادل و جامع الشرایط همین رسالت را دارد.

اما مفهوم رهبری از دید همه یکسان نیست و اختلاف تنها حول محور مصداق رهبر دور نمی‌زند. به قول استاد مطهری اگر در مسأله امامت سخن تنها در مورد رهبر سیاسی مسلمین پس از پیامبر (ص) بود، انصافاً ما هم که شیعه هستیم امامت را در زمره فروع دین قرار می‌دادیم، نه اصول دین (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۵۰). شیعیان که به امامت حضرت علی (ع) و امامان معصوم دیگر اعتقاد دارند، از آن جهت است که ایشان را مرجع دینی و امامت را به معنای ولایت می‌دانند.

در واقع امامت نظارت انسان کامل بر تحقق عدالت اجتماعی است انحراف خلافت و حکومت از مسیر اصلی خود، دستگاه خلافت را به منزله پوسته‌ای بی‌محتوا در می‌آورد. اعتراف به حقوق مردم شرط لازم و دوری از هر چه با حاکمیت آنها منافات داشته باشد، شرط اول رهبری سالم و طبیعی است که قادر به جلب رضایت و حمایت مردم خواهد بود.

رهبر و امام از جهت عدالت حافظ و نگهبان و امانتدار است و از جنبه هدایت، رهبر و پیشوا و مطاع. در حقیقت هدف امام عینیت بخشیدن به اهداف والای بشریت است که زیر بنا و مهم‌ترین اصل آن ایجاد و توسعه عدالت در بین تمام

اقشار مردم است.

### عدل محوری روش معصومان علیهم السلام

بحث عدالت در اندیشه سیاسی پیشوایان معصوم علیه السلام بحثی بسیار گسترده و عمیق است. در نگاه آن بزرگواران عدالت ضرورتی برای هستی، انسان و جامعه است و اساس هرچیز در جهان و جامعه افراد تلقی می‌گردد. تا جایی که حتی ایمان مبتنی بر عدل قلمداد می‌شود «العدل رأس الايمان» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۹ هـ ج ۴، ص ۱۱۳۹).

پیامبر اکرم (ﷺ) در مورد مردم به چند اقدام اساسی دست می‌زند که همه متضمن حرکت جامعه به سوی قسط و عدل است<sup>۱</sup> (اعراف، ۱۵۷).

۱- فرمان دادن به اعمال معروف و پسندیده.

۲- پرهیز دادن از کارهای منکر و ناپسند.

۳- تحلیل آنچه پاکیزه است.

۴- تحریم آلودگی‌ها و زشتی‌ها.

۵- حذف بار سنگین فقدان آزادی و اراده.

۶- از میان برداشتن زنجیرهای بی‌عدالتی و ستم.

نخستین اصل عدالت از منظر حضرت رسول (ﷺ) برابری و یکسانی انسان‌ها در خلقت و وجود است. چنان که فرموده‌اند *الناس كأسنان المشط*: «مردم چون دانه‌های شانه با هم برابرند» (پابنده، ۱۳۶۹، ح ۳۱۴۹، ص ۶۳۵). اصل آزادی مبتنی بر برابری نوع انسان دومین اصل عدالت از دیدگاه ایشان است و سومین اصل عدالت، اخوت و برادری انسان‌هاست که قرآن می‌فرماید «انما المؤمنون اخوة» (حجرات، ۹). اصل چهارم را می‌توان مردم‌نگری، دیگرخواهی و توجه به مصلحت عمومی دانست. «ما کرهته لنفسک فاکرهه لغيرک و ما أحببته لنفسک فاحبه لأخیک» (پابنده، ۱۳۶۹، ح ۲۷۰۰، ص ۵۵۸)؛

۱- «یا مردم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحلولهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم».

آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران نپسند و آنچه را برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بیپسند.

حضرت علی (علیه السلام) پیامبر را چنین معرفی می‌کند: سیره و روش او میانه‌روی و از روی عدالت بود، و سنتش رشد و تکامل و شکوفایی، گفتارش جداکننده حق از باطل و فرمان و حکمرانیش عدل (دشتی، ۱۳۷۸، خ ۹۴، ص ۱۲۴).

در نگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انسان وظیفه دارد در هر وضعیت روحی و جسمی عدالت پیشه کند. حضرت عدل را از عوامل رهایی‌بخش و سعادت انسان و جامعه معرفی می‌کنند (حرانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۶).

ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به یثرب و تبدیل شدن آن به مدینه‌النبی و تدوین میثاق مدینه و رعایت حقوق شهروندان بر اساس عدل و بدون هیچ تبعیض از برجسته‌ترین مظاهر عدالت آن حضرت در اداره اجتماع است.

شایان ذکر است که در این میثاق ۴۷ ماده‌ای ۹ بار واژه قسط تکرار شده است (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱).

امامان شیعه نیز به پیروی از قرآن و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تصویر مجسمی از عدالت در قالب نظریه‌ای متقن ارائه داده‌اند. این موضوع به ویژه در کتاب «نهج‌البلاغه» و در اندیشه و سیره عملی حضرت علی (علیه السلام) و فرزند بزرگوارش حضرت مجتبی (علیه السلام) که در حدود ۵ سال رهبری جامعه اسلامی را در اختیار داشتند، به وضوح دیده می‌شود. جرج جرداق در این مورد می‌نویسد مسأله‌ای که علی بن ابی‌طالب را مجبور به پذیرش خلافت نمود، در خطر بودن عدالت اجتماعی بود (جرداق، ۱۹۷۰، م، ج ۱، ص ۱۵۵).

حضرت علی (علیه السلام) در تعریف عدالت و برتری آن بر جود فرموده‌اند «العدل یضع الامور مواضعها» (فیض الاسلام، ۱۳۹۲، خ ۴۲۹، ص ۱۲۹۰). عدل امور را در جایگاه و مواضع خودشان قرار می‌دهد؛ ولی جود امور را از سمت و سوی خود خارج می‌کند. عدل سیاست و سیاست‌گری همگانی است، ولی جود عارضه خاص است؛ پس عدل شریف‌تر و با فضیلت‌تر از جود است. شاید بتوان این بیان از عدل را

عام‌ترین تعریف دانست که تمام ابعاد الهی و انسانی را در بر می‌گیرد؛ زیرا عدالت از آن نظر که جنبه فردی دارد، یک حسنه اخلاقی و دون مرتبه احسان است و از جهت اجتماعی فوق احسان است (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۲۴۸).

پیشوایان معصوم علیه‌السلام گاه عدل را به معنای مساوات دانسته‌اند. این تساوی مبتنی بر شایستگی است. مساوات در بعد اجتماعی بر اساس لیاقت‌ها و توانایی‌ها تعیین می‌شود. بنابراین عدل یعنی ادای حقوق به گونه‌ای که حقی از کسی ضایع نگردد و هر کس بر اساس استعداد و لیاقتش در جایی که باید قرار گیرد (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷).

همچنین حضرت علی (علیه‌السلام) در تفسیر آیه کریمه *ان الله یامر بالعدل و الاحسان*؛ می‌فرماید «عدل عبارت است از انصاف دادن، احسان یعنی بخشش نمودن و زیادی دادن» (نحل، ۹۰).

مهم‌ترین آثار سیاسی و اجتماعی عدالت از دیدگاه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام عبارتند از ثبات و بقای حکومت و نظام سیاسی جامعه، استقلال، توان و عزت، نفوذ حکم زمامداران، ارزشمندی و ارج رجال سیاسی جامعه و بی‌نیازی از یاران، اطرافیان، بیگانگان و اصلاح امور جامعه.

از نظر حضرت علی (علیه‌السلام) آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند، و همه را راضی نگهدارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح آن آرامش بخشد، عدالت است. ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستمگر را راضی و آرام نگه دارد. چه رسد به ستمدیدگان (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۱۳).

امام حسین (علیه‌السلام) نیز در بیان فلسفه تشریح امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مواردی را که مورد توجه قرار داده است، گرفتن صدقات و قراردادن آن در جایگاه حقیقی خود است. این از مصادیق عدالت است؛ بنابراین یکی از دلایل تشریح امر به معروف و نهی از منکر تحقق عدالت اقتصادی در جامعه است (حرانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۲۱).

آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید *فلعمری ما الامام الا الحاکم بالکتاب التام بالسط*؛ «به

جان خود سوگند که امام و رهبر کسی نیست مگر آنکه به کتاب حکم، و به قسط و داد قیام کند» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۳۹، ص ۳۰۷).

امام صادق (ع) از عدالت به عنوان یکی از چیزهایی که مردم واقعاً به آن محتاج هستند، یاد می‌کند (حرانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۰).

امام کاظم (ع) در مورد سخن خداوند تعالی «یحبی الارض بعد موتها» فرموده‌اند منظور زنده گردانیدن زمین به سبب باران نیست؛ بلکه خداوند مردانی را بر می‌انگیزد که عدل را زنده می‌دارند، پس زمین به خاطر احیای عدل و اقامه حد خداوند زنده می‌شود. این برای زمین از چهل روز باریدن باران سودمندتر است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۸۳۹).

از مهم‌ترین و برجسته‌ترین خصوصیات امام منتظر(عج) نیز آن است که با ظهور خویش در زمین برای تحقق قسط و عدل قیام می‌فرماید.

افزون بر آنچه بیان شد، اجرای عدالت از طریق مصادیق، شاخص‌ها و ابزارها و عملکردهای دیگر به صورت تدریجی در اندیشه و سیره پیشوایان دین مطرح شده است که برخی از آنها به اختصار عبارتند از نظارت بر حکومت‌های موجود، مقابله با ظلم و ستم، حمایت از محرومان و مستضعفان جامعه، خدمت به خلق، یاری ستمدیدگان، تاختن بر ستمگران، مساوی دانستن خود و دیگران در حقوق، حمایت از حقوق بشر و پیوند انسان‌های دیگر (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۰).

### رهیافت عدالت در فقه و فقهات

مسأله عدل در جهان اسلام محدود به حوزه کلام نیست؛ بلکه فقه اسلام نیز مخاطب پیام عدالت است. عرصه‌های عدالت را می‌توان در چهار مورد دانست عدالت در تکوین و نظام خلقت، عدالت در تشریح و قانونگذاری، عدالت در نظام اجرا، و عدالت در رفتار فردی و روش زندگی.

درست است که در استنباط احکام ملاک‌ها و شیوه‌های کشف، دقیق و مبتنی بر پیش‌فرض‌های کلامی و مبانی اصولی است، اما درک روح و معنا، برقراری ارتباط

منظم میان سلسله احکام و هماهنگی میان آنها و تدوین قواعد و نظریه‌های فقهی و در نهایت رسیدن به اهداف شریعت، متوقف بر شناخت اصول حاکم بر احکام است (شفایی، ۱۳۷۹، ص ۱۶).

عدم توجه به خصوصیت زندگی‌گرا بودن احکام اسلام، بین این احکام و واقعیت‌های زندگی فاصله می‌اندازد و شریعت را ناکارآمد می‌نمایاند؛ در حالی که احکام بسیاری در اسلام زمینه زندگی سالم و دور از رنج و مشقت را برای انسان فراهم می‌کند.

در زمینه استنباط، قاعده‌های فقهی اهرم‌هایی هستند که توان هماهنگی با محیط و شرایط را به فقیه می‌دهند تا بتواند به بهره‌گیری از آنها در فضاهای نو پیدا گام بردارد. ظرفیت نهفته در جنبه تفریق‌پذیری قواعد فقهی سبب گذر از فضای نظریه پردازی علمی به واقعیت‌های عینی جامعه می‌شود. بی‌گمان یک فقیه اگر اصل عدالت را از جمله علل احکام به شمار آورد و به لوازم فقهی و اصولی آن نیز پایبند باشد، این توان را خواهد یافت که اصل عدالت را در استنباط خویش دخالت دهد و به شناسایی احکام بر اساس آن بپردازد.

پرسشی که در این مورد به ذهن می‌رسد، این است که چرا با وجود آیات مربوط به محور بودن عدالت در تکوین و تشریح و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام عدالت به عنوان یک قاعده فقهی مطرح نشده است؟ در حالی که ادله فقهی در این مورد به تعدادی است که می‌توان از آنها اصل عدالت را به عنوان یک قاعده فقهی استخراج نمود. در واقع مستندات چنین قاعده‌ای - هم چنان که ذکر شد - از قواعد موجود بیشتر و قوی‌تر است؛ قاعده‌ای که امروز گشایشگر بسیاری از مشکلات و گره‌های فقهی در باب مسائل اجتماعی است؛ مفهومی که به فرموده شهید مطهری (ره) از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود. عدالت در سلسله احکام است نه در سلسله معلولات؛ یعنی نه

---

۱- به عنوان مثال قاعده «لاضرر» که در تمام ابواب فقهی کاربرد دارد، بر اساس چهار روایت است و قاعده «نقی عسرو حرج» بر اساس چهار آیه از قرآن کریم و هفت روایت پی‌ریزی شده است.

این است که آنچه دین گفت عدل است بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید (مطهری، ۱۴۰۹ هـ ص ۱۴).

بنابراین لازم است فقیه عدالت را قاعده‌ای فقهی بداند و آن را اصل و ترازوی سنجش شمرد چنانچه امام خمینی(ره) در نظریه‌های فقهی خویش اصل عدالت را زیربنای استنباطی خویش قرار داده‌اند. ایشان جوهر کلام و پایه قوانین اسلامی را عدالت می‌دانند و عدالت را دلیل لزوم برپایی حکومت عادل و حرمت حیل‌های ربا و ... می‌شمرند (مهریزی، ۱۳۷۵، ص ۵۵-۵۷).

محور قراردادن عدالت تضمین درونی برای صحت و درستی استنباط و اجتهاد خواهد بود. و حرکت شریعت را در بستر زمان مطمئن خواهد کرد و رسوبات تاریخی و اعمال سلیقه‌های شخصی را از پیکر شریعت خواهد زدود، بنابراین عدالت هم منبع استنباط احکام و هم معیار سنجش آن خواهد بود. در مقام معارضه ادله آنچه مقرون به اصل عدالت باشد، مقدم است. شهید مطهری(ره) در این زمینه دو کار اساسی انجام داده است:

۱- در مطالعه‌ای اصولی بر مداخلیت علت حکم پای فشرده است.  
۲- در مطالعه‌ای فقهی عدالت را از جمله علل دانسته و مدعای اصولی خود را بر موضوع عدالت تطبیق داده است. عدالت از جمله مفاهیمی است که امروزه در کانون بسیاری از رشته‌های علوم انسانی قرار دارد، و حتی گاه به هسته مرکزی دغدغه‌ها بدل می‌شود.

به فرموده حضرت امام خمینی(ره) روحانیت تا در تمام مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۰، ج ۲۱، ص ۲۹۲).

### عدالت خرد زمینه‌ساز عدالت کلان

موضوع عدالت در نگرش فقهی، به صورت عام، و در فقه سیاسی به طور خاص، تحت عناوین متعدد و نیز در اکثر ابواب فقه به عنوان شرایط یا خصلت

فرد عهده‌دار مسئولیتی خاص ذکر شده است. بنابراین عدالت از این منظر، برای فقه مفهومی کلیدی محسوب می‌شود. با وجود تعابیر مختلفی که در بین فقیهان در مورد مفهوم صفت عدالت فردی وجود دارد، می‌توان به معنایی یگانه رسید و آن عبارت است از اینکه عدالت، استقامت عملی در جاده شرع و عدم انحراف از آن است.

از آنجا که بعضی مناصب اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، افرادی که متصدی این مناصب می‌شوند باید دارای صفت عدالت باشند؛ از جمله رهبری جامعه یا مقام قضاوت بین افراد. در این مناصب حقوق اسلامی به دلیل نقش مهمی که در برقراری عدالت اجتماعی دارند؛ مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند. افرادی که تصدی این امور را به عهده می‌گیرند باید منزله از هوی و هوس‌های نفسانی و واجد صفت عدالت باشند، تا علاوه بر نظارت‌های بیرونی که در قانون مورد توجه قرار گرفته دارای یک ناظر درونی و مستمر باشند، تا زمینه ظلم و تعدی به افراد اجتماع فراهم نگردد. پیشوایان دینی و حاکمان از نخستین افرادی هستند که باید در بالاترین مرتبه عدالت فردی قرار داشته باشند (مرعشی، ۱۴۲۲هـ. ج ۳، ص ۲۸).

از موارد دیگر مشروط به وصف عدالت، پیشوایان احکام عملی و مجتهدان مردم در امور دینی هستند. چنان که گفته شده اگر شخصی به نهایت درجه علم به احکام شرعی برسد، رجوع به او در فتوا و قضا جایز نیست، مگر آنکه دارای صفت عدالت باشد. (مغنیه، بی تا، ج ۶، ص ۲۸۵).

### نقش حکومت در تحقق عدالت اجتماعی

مهم‌ترین رکن هر جامعه به ویژه جامعه دینی، حکومت صالح عدل است. ادیان توحیدی، همه در پی تشکیل حکومت دینی بوده‌اند و حکومت دینی را باید در داخل دین جست‌وجو کرد. حکومت در اسلام برخاسته از عمل به قانون است. اجرای قانون نظم در امور اجتماعی را به دنبال دارد و اعتدال هم نتیجه نظم است. اعتدال



خمیر مایه اصلی عدالت را تشکیل می‌دهد که از اهداف والای حکومت اسلامی است (باقری ارومی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱).

در حکومت اسلامی زمام امور و فرماندهی با کسی است که از مظهر قدرت یعنی خداوند دستور بگیرد، ولی در چگونگی اجرای فرمانهای حق با دیگران مشورت کند. سازمان سیاسی اسلام بر دو پایه «حکم و شورا» قرار دارد (حقوقی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲).

امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید «حکومت اسلام حکومت، قانون است. در این طرز حکومت حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت دارد» (الموسوی‌الخمینی، ۱۳۵۷، ص ۱۷). ایشان در جای دیگر گفته‌اند: اسلام به قانون نظر «آلی» دارد یعنی آن را آلت و وسیله‌ای برای تحقق عدالت در جامعه می‌داند و وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان (همو، ص ۶۲). بنابراین مجری قانون نقش مهم و ویژه‌ای در تحقق عدالت دارد. در واقع در سیستم قانونگذاری اسلامی «عدالت» مسیری طولی دارد؛ بدین معنی که از خالق طبیعت و جاعل شریعت در نظام تکوین و تدوین آغاز می‌شود و در نظام تحقق افراد مأمور به انجام آن هستند. عدالت جایگاه هر می‌دارد که هر چه به افق آن نزدیک می‌شویم از استقرار و استحکام بیشتری برخوردار می‌گردد.

به تجربه در کشورهای اسلامی ثابت شده که برای اقامه اسلام کافی نیست حکام مسلمان باشند؛ بلکه باید بر اساس اسلام حکم کنند و قرآن را هم چون دستوری برای حاکمان و افراد دیگر قرار دهند (عوده، ۱۴۰۴ هـ، ص ۱۱۷).

### عدالت حقوقی و تعامل حق و تکلیف

با تکیه فراوانی که آیات الهی بر حکومت به عدل کرده است، روشن می‌شود که هدف اجرای احکام، عدالت است. توجه به تقابل حق و تکلیف افراد اجتماع از عوامل زیرساخت عدالت اجتماعی به شمار می‌رود. زیرا بدون انجام وظیفه نوبت

حق نمی‌رسد، و هر جا حقی وجود داشته باشد، برای حفظ و حمایت از آن قانونی هم باید موجود باشد. از سوی دیگر اگر حقی به رسمیت شناخته شود، حمایت از آن در برابر معارضان نیز الزامی است. پس قانون دو وظیفه مهم برعهده دارد: از یک سو باید حقهایی را که به رسمیت می‌شناسد و روابط اجتماعی بر اساس احترام و مراعات آنها تنظیم می‌شود، معلوم و مشخص گرداند؛ و از سوی دیگر باید راه چاره‌هایی را در مقابله با سرکشان پیش‌بینی کند. یعنی برای آن حقا ضمانت اجرایی مقرر دارد (موحد، ۱۳۸۱، ص ۷۰).

کرامت و ارزش والای انسان نیز از دیگر اموری است که قانونگذار باید بدان توجه نماید و در این راستا از طریق وضع قوانین با هر گونه ستمگری و سلطه‌گری مبارزه نماید، تا قسط و عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی بروز کند.

### نقش نهادهای پشتیبان قانون در تحقق عدالت

هیچ قانونی بدون نهادهای تضمین‌کننده اجرای آن، حاکمیت پیدا نمی‌کند. هیچ سیاست و ضابطه‌ای بدون وجود نهادهایی که به طور مرتب حوزه برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجراء را رصد کند به جریان نمی‌افتد.

اینجاست که نهادها و سازمان‌های حقوقی و یا اخلاقی - اجتماعی در تحقق عدالت نقش آفرینند. در قوانین اسلامی در جهت تنفیذ و اعمال حقوق اسلامی، قوانین دیگری جعل شده است. این قوانین تحت عنوان ضمانت‌های اجرای اعتقادی، اخلاقی، مادی، تشریحی و قانونی قابل طرح و بررسی هستند.

افزون بر آن در باور اسلامی کیفر تنها به کیفر دنیوی محدود نمی‌شود، اگر ظالمی توانست از مجازات دنیوی بگریزد، بدون کیفر نخواهد ماند. از سوی دیگر فرد جامعه اسلامی مسؤول و ضامن اجرای حقوق هستند.

تذکر افراد در اجتماع یک ضمانت اجرایی قوی و دائمی و پیوسته است، که مثلاً در شاکله امر به معروف و نهی از منکر باعث آگاهی افراد از حقوق و وظایفشان

شده، راه ضمانت اجرایی قوانین و مقررات را می‌گشاید زیرا حتی در مواردی که دور از دید مأموران قانونی است به اجرای قانون می‌پردازد. البته این امر در صورتی مؤثر خواهد بود که همگان نسبت به آن اقدام نمایند. به طوری که حتی حکام و مسؤولان نیز مستثنی نباشند.

افزون بر این نظارت همگانی، قوانینی هم در این راستا مورد نیاز است تا شخص خطاکار را مخاطب قرارداده، او را ملزم به انجام تکلیف خود کند و در صورت تخلف مجازات نماید.

این دسته از قوانین جزایی ضامن حقوق اسلامی هستند و دستگاههای دیگری نیز بر این امور باید نظارت داشته باشند. بنابراین حقوق جزا برای حفظ مصالح عمومی جامعه در پرتو عدالت و امنیت اجتماعی است. امت اسلامی هنگامی می‌تواند به سوی کمال پیش رود که از امنیت و عدالت برخوردار باشد (فیض، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

### امنیت، زمینه‌ساز عدالت در اجتماع

یکی از کارکردهای مهم هر دولت فراهم آوردن امنیت برای شهروندان خویش است. منظور از امنیت در اجتماع، حالت آسایش همگانی از ترس، تهدید، اضطراب و محفوظ ماندن جان، مال، ناموس، شرف، آبرو، شغل، اعتقادات و باورهای مردم از هر نوع تعرض می‌باشد.

امنیت اجتماعی از زمینه‌های اصلی اجرای عدالت، و مناسب‌ترین بستر پیدایش تعادل در جامعه است. رابطه عدالت و امنیت اجتماعی، رابطه‌ای متقابل است؛ یعنی امنیت اجتماعی زمینه عدل‌گرایی و عدل‌گرایی زمینه امنیت اجتماعی است (حکیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۴).

امنیت را در سه حوزه می‌توان مورد بررسی قرار داد: امنیت ملی، امنیت داخلی یا سیاسی، امنیت اجتماعی و اقتصادی در این زمینه امیر مؤمنان به ویژه در خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه حاکمیت و امارت را ضامن امنیت داخلی، سیاسی و اجتماعی

می‌دانند و ضرورت امارت را تأمین همین موارد ذکر می‌نمایند.

### تساوی افراد در مقابل قانون

از دیدگاه اسلام هر گونه تبعیض قومی و نژادی و امثال این مردود است. این گونه تفاوتها نباید موجب امتیاز یکی بر دیگری باشد. تا وقتی که بین افراد مساوات برقرار نشود، محال است که در جامعه‌ای عدالت اجتماعی و برادری و آزادی محقق گردد. اختلافهای اجتماعی به هر شکلی که باشد، راه را برای ظلم و تجاوز هموار می‌کند و مانع اجرای صحیح اصول حقوق انسانی می‌شود. باید به این نکته توجه نمود که اصطلاح «رفع تبعیضات ناروا» بدان معنا نیست که مطلق تبعیض نادرست است، چنان که در مباحث اسلامی دو اصطلاح «تبعیض» و «تفاوت» به کار گرفته شده است. «تبعیض» یعنی در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان بین افراد فرق گذاشته شود که این امر بر خلاف عدالت است. ولی «تفاوت» به معنای فرق گذاشتن بین افرادی است که در شرایط یا طبیعت‌های مختلفی هستند که اعمال آن عین عدالت می‌باشد (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۱۱۴-۱۱۵).

### عدالت توزیعی

عدالت در بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یا عدالت در توزیع ثروتها، امکانات، فرصتها و قدرت، مناصب و ارزش‌های جامعه یکی از الزام‌های اساسی عدالت اجتماعی است.

عدالت توزیعی، قواعدی عمومی است که در تقسیم عواید و تکالیف بین افراد اجتماع دخالت دارد و در این راه باید عادلانه رفتار نماید (موحد، ۱۳۸۱، ص ۳۱۴). بنابراین مفهومی گسترده‌تر از عدالت اقتصادی دارد، شامل تمام موارد حقوقی افراد جامعه می‌شود. مانند تأمین حقوق بشر افراد عدالت در زمینه حقوق فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### عدالت فرهنگی

پیامبران برای هدایت مردم و رهایی افراد بشر از جهل و ظلمت برگزیده شده‌اند. قرآن مجید در آیات متعدد، تعلیم و تربیت را اساس بعثت پیامبر اسلام قرار داده است (بقره، ۱۴۷ - ۱۲۴؛ آل عمران، ۱۶۰؛ جمعه، ۲). آن حضرت در تعالیم خود، طلب علم را برای همگان امری واجب بر می‌شمرد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۰۷۰). برای دانش‌اندوزی آن قدر اهمیت قائل است که می‌فرماید در راه آن حتی رنج بعد مسافت و دیار غربت را باید تحمل نمود (همو) مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) نیز در زمان حکومت خویش، حق آموزش شهروندان را یکی از حقوق ایشان بر شمرده‌اند (دشتی، ۱۳۷۸، خ ۳۴).

در جامعه اسلامی علم و دانش در انحصار افراد خاصی نیست و همه مردم در این زمینه حقوق مساوی دارند، مسأله آموزش نباید با عدم استطاعت مالی افراد اصطحاک داشته باشد تا همگان به طور عادلانه قادر به ادامه تحصیل باشند.

### عدالت سیاسی

حق مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود و اداره امور کشور، آرمان به حقی است که همه ملتها طالب آن هستند. در صدر اسلام قدرت قانونگذاری، اجرایی و قضایی از آن نبی اکرم (ﷺ) بود، اما قرآن کریم بر اصل شور و مشورت مسلمانان تأکید خاصی فرمود. این نشان دهنده تأکید اسلام بر رأی زنی اعضای جامعه اسلامی است. سنت نبوی نیز در موارد متعدد، مؤید تصمیم‌گیریهای شورایی از جانب نزدیکان و صحابه پیامبر (ﷺ) می‌باشد. از این رو کثرت‌گرایی سیاسی که یکی از پایه‌های دموکراسی به شمار می‌رود، مورد تأیید شرع اسلام قرار گرفته است.

با توجه به روش حکومتی پیامبر اکرم (ﷺ) و حضرت علی (علیه السلام) آیین گسترده حاکمیت مردم را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود:

۱ - قدرت سیاسی متکی به رضایت و پذیرش مردم است که از طریق انتخابات

آزاد به دست می‌آید. بنابراین انتخابات منبع اصلی قدرت سیاسی است.

۲ - احزاب سیاسی متعدد باید امکان ارائه برنامه سیاسی حزب خود را به ملت داشته باشند؛ به نحوی که مردم بتوانند از مجرای رقابت حزبی و شناخت افکار سیاسی قادر به انتخاب باشند.

۳ - مردم در هنگام انتخابات باید قادر به انتخاب بین برنامه‌ها و داوطلبان حزبی باشند. برای تأمین این منظور انتخابات باید بدون هیچ محدودیتی برگزار شود و رأی‌گیری سالم و غیرمقابلانه باشد.

### عدالت اقتصادی

تنظیم نظام اقتصادی از مهم‌ترین راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است. اسلام به عنوان یک مکتب زندگی‌ساز، ضمن توجه جدی به این مسأله مهم، قوانینی را وضع نموده که در پرتو آن عدالت اقتصادی تأمین می‌گردد. قوانین اقتصادی اسلام، قوانینی است که ضمن تأمین رفاه زندگی، عدالت اجتماعی را نیز تضمین کرده است.

نعمت‌های طبیعی چون متعلق به همه انسان‌هاست، باید عادلانه توزیع شود و تملک خصوصی آنها نباید باعث محروم شدن دیگران گردد. این طرز فکر پایه اصلی همه دکترین‌هایی است که مالکیت خصوصی نامحدود را محکوم می‌کند. (غنی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹). کار پایه مالکیت را تشکیل می‌دهد. حکومت اسلامی با استفاده از اختیارات ولایت فقیه حق دارد نرخ تقسیم درآمد را، میان کار و ابزار بر اساس حق و عدالت تعیین کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۲).

به طور کلی نظام مالی حکومت اسلامی بر چهار پایه استوار است:

۱ - دارایی‌های حکومت و امامت که ما در اصطلاح فقهی آن را انفال می‌نامیم. انفال موارد بسیاری دارد از جمله اراضی موات (بلکه اکثر زمین‌ها) معادن و غیر آن.

۲ - دارایی‌های همگانی مانند سرزمین‌هایی که مسلمانان با اجازه امام در جهاد

مسلحانه فتح کرده‌اند حکومت اسلامی به عنوان ولی و صاحب اختیار، این دارایی‌ها را در اختیار دارد و آنها را در موارد لازم مصرف می‌نماید.

۳ - مالیات‌های اسلامی که در کتاب و سنت بیان شده‌اند، مانند خمس، زکات، که حکومت اسلامی با توجه به مقام ولایت خود این دارایی‌ها را در اختیار گرفته به مصرف می‌رساند.

۴ - مالیات‌هایی که حکومت بر اساس ولایت فقیه در صورتی که مصلحت اقتضا کند از امت می‌گیرد (حائری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۹۷).

با توجه به اختیارات وسیع و گسترده‌ای که دولت اسلامی و ولایت امر دارد، می‌تواند برای مصالح عمومی و احیای حقوق افراد، از اموال عمومی استفاده کند و شرایط جامعه را به سود محرومان و زجردیدگان تغییر دهد.

از قوانین عملی که در راستای اقتصاد سالم و جلوگیری از تجمع سرمایه در دست عده‌ای خاص می‌توان نام برد، قوانین زیر هستند:

- ۱ - قانون تحریم ربا.
- ۲ - قانون تحریم احتکار.
- ۳ - قانون ملی بودن منابع عمومی.
- ۴ - قانون توزیع عادلانه ثروت عمومی.
- ۵ - قانون رفع فقر و محرومیت.
- ۶ - قانون مالیات خمس، زکات و دیگر قوانین تکمیلی.

### عدالت قضایی

اگر چه عدالت قضایی خود گستره وسیعی از مباحث عدالت را به خود اختصاص می‌دهد، لیکن شدت اهتمام اسلام به اجرای عدالت قضایی و اقامه حق از دقت این شریعت در اسلوب قضایی و مواردی چون شرایط قاضی آزادی، عمل او در ارائه حکم بر اساس مبنای منع از رشوه و واگذاری حقوق قاضی به بیت‌المال و غیره که نمادی از برقراری عدالت قضایی می‌باشد، مشهود است. رسالت

دستگاه‌های قضایی خطیر و وظایف آن سنگین است. پشتیبانی از عدالت اجتماعی در حمایت از حقوق فردی و اجتماعی مستلزم تلاش بی‌وقفه دستگاه‌های قضایی کشور است. ثمره عملکرد درست مراجع قضایی مجموعه مطلوبی است که «تحقق عدالت» نامیده می‌شود و این امری است بسیار خطیر که با سایر امور عمومی تفاوت کلی و اصولی دارد (هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۶).

### یافته‌های تحقیق

- ۱- در حقوق اسلامی عدالت تنها به عنوان یک صفت فردی مطرح نیست؛ بلکه عدالت فردی تنها به عنوان یکی از زمینه‌های فراهم ساز عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.
- ۲- عدالت اساس و مبنای قانونگذاری در اسلام است؛ هم چنان که اساس تکوین در عالم وجود عدالت است.
- از این رو با توجه به منابع اولیه احکام می‌توان اصلی به نام اصل عدالت تأسیس نمود که هم چون قواعد فقهی دیگر حاکم بر ادله احکام قرار گیرد که با بهره‌گیری از قاعده مذکور می‌توان به چالش‌های کنونی در این زمینه پاسخ گفت.
- ۳- در حقوق اسلامی، راهکارهای عملی برای برقراری حفظ و بسط عدالت اجتماعی مطرح شده است که آنها را می‌توان از خلال آموزه‌های شرعی به ویژه سیره عملی پیامبر (ﷺ) و دیگر معصومان علیهم‌السلام به دست آورد.
- ۴- بر خلاف آنچه نقطه توجه بسیاری از ایدئولوژی‌های شرقی و غربی است، عدالت منحصر به ابعاد اقتصادی حیات اجتماعی نیست؛ بلکه قانونگذار دینی جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد که اهمیتی کمتر از اقتصاد ندارد.
- ۵- در حیات کنونی بیش از پیش به وضع قوانین و بازنگری آنها بر مبنای عدالت نیاز است. مهم‌تر از آن برنامه‌ریزی برای ایجاد بازوهای قوی اجرایی است.
- ۶- نظارت بر اجرای قوانین عادلانه، نظارت، توجه و عکس‌العمل همه افراد جامعه را می‌طلبد و هیچ کس در این مورد بخشوده نیست.



## منابع و مأخذ

- ✓ **القرآن الکریم**  
✓ ابراهیم، مصطفی، **المعجم الوسیط**، استانبول، دارالدعوه، ۱۴۱۰هـ  
✓ ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸هـ  
✓ باقری ارومی، علی اکبر، **جامعه دینی و مفاهیم دینی**، تهران، نشر نذیر، چاپ اول، ۱۳۷۸  
✓ پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، انتشارات جاویدان، چاپ بیست و دوم ۱۳۶۹  
✓ جرداق، جرج، **الامام علی (علیه السلام) صوت العداله الانسانیه**، بیروت، دارالمکتبه الحیاه، ۱۹۷۰م  
✓ جمشیدی، محمدحسین، **نظریه عدالت از دیدگاه ابونصر فارابی، امام خمینی (ره) و شهید صدر**، معاونت پژوهشی انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی چاپ اول، ۱۳۸۰  
✓ حائری، کاظم، **بنیان حکومت در اسلام**، حسن طارمی راد، تهران، نشر کنگره، ۱۳۷۸  
✓ حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، ترجمه: بهزاد جعفری، قم، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۷  
✓ حسنی، محمدحسن، **نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره)**، تهران، نشر عروج، چاپ چهارم، ۱۳۷۸  
✓ حقوقی، عسگر، **فلسفه سیاسی اسلام**، بی نا، بی جا، ۱۳۹۵هـ  
✓ حکیمی، محمد، **امام علی (علیه السلام) عدل و تعادل**، تهران، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۰  
✓ دشتی، محمد، **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸  
✓ زبیدی خنقی، محمد، **تاج العروس**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا

- ✓ سبحانی، جعفر، *عقاید اسلامی در پرتو قرآن، حدیث و عقل*، تهران، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ✓ سلیمی، عبدالحکیم، «*راه‌کارهای تأمین عدالت*»، تهران، فصلنامه کتاب نقد، ۱۳۸۴
- ✓ شفایی، عبدالله، «*فقه و زندگی*»، قم، فقه پژوهی، سال ۱۱، ۱۳۸۴
- ✓ طباطبایی، محمدحسین، *تفسیرالمیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دارالعلم، بی‌تا
- ✓ طوسی، محمد، *المبسوط*، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۵۱
- ✓ عامری‌نیا، محمدباقر، *جایگاه حقوقی عدالت اجتماعی در اسلام*، قم، ندای مصلح، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ✓ عبدالباقی، فؤاد، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴
- ✓ عوده، عبدالقادر، *المال و الحكم فی الاسلام*، منطعه الاعلام الاسلامی قسم العلاقات الدولیه، ۱۴۰۴هـ
- ✓ غروی تبریزی، علی، *التفیح فی شرح العروه الوثقی*، قم، موسسه انصاریان، چاپ اول، ۱۴۱۷هـ
- ✓ غنی‌نژاد، موسی، *جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست*، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ✓ فراهیدی، خلیل، *کتاب العین*، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ
- ✓ فیروزآبادی، *القاموس المحیط*، الهیه المصریه العامه للکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۰هـ
- ✓ فیض، علیرضا، *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ✓ فیض الاسلام، علی نقی، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، بی‌جا، ۱۳۹۲هـ
- ✓ گرجی، ابوالقاسم، «*عدالت و برخی از تقسیمات آن*»، آموزگار جاوید، صادق لاریجانی، ۱۳۷۰

- ✓ همو، «*اقتراح درباره مبانی اجتهاد*» قم، فصلنامه نقد و نظر، سال اول، ۱۳۷۳
- ✓ مرعشی، اسماعیل، *اجماعیات فقه الشیعہ*، مؤسسه احیاء آثارالامام خویی، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ
- ✓ محمدی، مجید، *جامعه دینی به منزله روش*، تهران، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ✓ محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ✓ مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش عقاید*، تهران، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۴
- ✓ مطهری، مرتضی، *عدل الهی*، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷
- ✓ همو، *امامت و رهبری*، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸
- ✓ همو، *بسیست گفتار*، قم، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۶۰
- ✓ همو، *اسلام و مقتضیات زمان*، قم انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۲
- ✓ همو، *سیری در نهج البلاغه*، قم، انتشارات صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۲
- ✓ همو، *مجموعه یادداشت‌های استاد*، قم، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۸۲
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر، *اقتصاد اسلامی*، قم، انتشارات هدف، ۱۳۶۰
- ✓ مغنیه، محمد جواد، *فقه الامام جعفر الصادق (علیه السلام)*، قم، انتشارات قدس محمدی، بی تا
- ✓ موحد، محمدعلی، *در هوای حق و عدالت*، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۱
- ✓ الموسوی الخمینی، روح الله، *ولایت فقیه*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷
- ✓ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، تهران، مجموعه آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ✓ النجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷
- ✓ هاشمی، محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۴